

## صاحب الید - صیغه

**صاحب الید:**

کسی که مالی در اختیار اوست.

**صاع:**

واحد وزن که تقریباً معادل سه کیلوگرم است.

**صبر:**

بردباری و شکیبایی.

**صبی / صبیبه:**

نابالغ.

**صحت:**

درستی، سلامتی.

**صداق:**

مهر.

**صدقات واجبه:**

اموالی که مکلف باید در راه های معین، پردازد؛ مانند خمس و زکات.

**صدقه:**

آنچه که بخاطر ثواب و پاداش به فقرا بخشیده شود.

**صرع:**

نوعی بیماری عصبی است که با لرزش اندام بدن و بعضاً بیهوشی و بی حسی بدن، توأم است.

**صرف:**

تبدیل پول ها و تعویض آنها.

### صرف برات:

نقد کردن برات ؛ در مواردی که برات به صورت مدت دار تنظیم شده باشد، مثلاً طلبکار زودتر از موعد معین، از بدهکار بخواهد با کسر مقداری از برات، نقداً وجه آن را بپردازد.

### صَروره:

رجوع کنید به: حج صروره.

### صعب العلاج:

مرضی که درمان و بهبودی آن دشوار باشد.

### صغیره:

دختری که به سن بلوغ نرسیده است.

گناه صغیره.

### صفا:

کوهی کم ارتفاع در پایین کوه ابوقبیس در کنار مسجد الحرام که نقطه شروع سعی است.

### صفیف:

باز بودن بال پرنده در حال پرواز.

### صلاة:

نماز.

### صلح:

عقدی است که طی آن طرفین رضایت خود را بر تملیک مال، بخشیدن قرض یا اسقاط حق و... اعلام می کنند.

### صلح تعلیقی:

عقد صلحی است که بر انجام کار یا پرداخت مال توسط طرفین صلح و یا یکی از آن دو، معلق گشته است.

### صوم:

روزه.

**صید:**

شکار کردن حیوانات وحشی و به دام انداختن آبزبان.

**صیغه:**

کلماتی که به وسیله آن عقد یا ایقاع محقق می شود.

**صیغه عقد دائم:**

این است که اگر صیغه عقد دائم را خود زن و مرد بخوانند و اول زن بگوید: زَوَّجْتُكَ نَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ. ( یعنی خود را زن تو نمودم به مهری که معین شده است)، پس از آن بدون فاصله مرد بگوید: قِيلْتُ التَّرْوِيجَ. ( یعنی قبول کردم این ازدواج را). و اگر دیگری را وکیل کنند که از طرف آنها صیغه عقد را بخواند، چنانچه مثلاً اسم مرد احمد و اسم زن فاطمه باشد و وکیل زن بگوید: زَوَّجْتُ مُوَكَّلَتِي فَاطِمَةَ مُوَكَّلِكَ أَحْمَدَ عَلَى الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ و بعد بدون فاصله وکیل مرد بگوید: قِيلْتُ لِمُوَكَّلِي أَحْمَدَ عَلَى الصَّدَاقِ.

**صیغه عقد موقت:**

این است که اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیر دائم را بخوانند، بعد از آن که مدت و مهر را معین کردند، چنانچه زن بگوید: زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ، بعد بدون فاصله مرد بگوید: قِيلْتُ. و اگر دیگری را وکیل کنند، اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: مَنَعْتُ مُوَكَّلَتِي مُوَكَّلِكَ فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ، بعد بدون فاصله وکیل مرد بگوید: قِيلْتُ لِمُوَكَّلِي هَكَذَا.